



پرچم خون خواهی این زخم مشترک مسلمین را متحد می کند

رئیس سازمان تبلیغات در یادداشتی تبیینی پیرامون معناپردازی تمدنی و ترویج فرهنگ خون خواهی نوشت: پرچم های خون خواهی نماد تعهد ابدی مسلمین و یادآور زخم مشترک هستند که انسانیت را به چالش می کشند.

رئیس سازمان تبلیغات در یادداشتی تبیینی پیرامون معناپردازی تمدنی و ترویج فرهنگ خون خواهی نوشت: پرچم های خون خواهی نماد تعهد ابدی مسلمین و یادآور زخم مشترک هستند که انسانیت را به چالش می کشند.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در یادداشتی تبیینی پیرامون معناپردازی تمدنی و ترویج فرهنگ خون خواهی نوشت: سالیان سال است که در فرهنگ ایرانی و اسلامی ما، برای وداع و خاکسپاری عزیزان از دست رفته، داغ داران لباس مشکی به تن می کنند. اما وداع میلیونی با مرشد و پیشوای امت، عادت را کنار زد و دریای سرخ پرچم ها در آن پهنه ی انسانی، با یک معناپردازی عمیق، به یک «بیانیه ی تمدنی» تبدیل شد. نمادی که به تعبیری، زمان را متوقف می کند تا صریح ترین پیام را به تاریخ مخابره و به دشمنان خون ریز تفهیم کند؛ حرارت خون ولیّ خدا، اجازه نمی دهد جامعه ی اسلامی دچار «آفت فراموشی» یا «عادی سازی» شود.

این پرچم های خون خواهی به انسان و انسانیت نهیب می زند: خاکی که پیکر شهید را در بر می گیرد سرد نخواهد بود و این پرچم ها تعهدی ابدی است که مسلمین را حول محور یک «زخم مشترک» متحد و متذکر می کند. فرهنگ خون خواهی، قواعد جدیدی در می اندازد که در آن معادلات مصلحت آمیز دنیای سیاست جای ندارد و وقتی که پای خون ولیّ خدا در میان باشد، عاطفه های مشترک و حرارت قلوب یک اراده ی واحد می سازد:

جدا ز هر جریانی است بحثِ قاتل تو
مرا چه کار به امضای نحس قاتل تو

عیان است که جان های پاک، شجاع و غیرت مندی، عهد خون کرده و برخاسته اند تا بخشی از حساب ما با قاتلین ولیّ خدا و مرشد مسلمین را تسویه کنند. خط خون خواهی، در این فرهنگ از یک اشتراک عمیق، میان هویت ملی ایران و فلسفه ی تاریخی تشیع بر محور «انتقام خون صالحان» برآمده است.

شعله های خون خواهی برای هر مرگ یا هر حاکمی زبانه نمی کشد؛ این حماسه ی بلند، وقف صالحانی می شود که پاکی، اقتدار و ایمان خود را به تاریخ، مردم و حق تعالی ثابت کرده اند و همانطور که رهبر معظم انقلاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای (حفظه الله) فرمودند؛ در زمره ی حسینیان کسانی هستند که وقتی در راه حسین و برای مکتب و مرام حسین (ع) خون شان مظلومانه بر زمین می ریزد، امت اسلام به حرکت در می آید و آن زمان به عاشورا و آن مکان به کربلا تبدیل می شود.

پاسخ به ضایعه ی جان سوز شهادت زعیم امت، البته یک تفکیک فقهی و راهبردی را می طلبد: اول قصاص (یعنی پاسخ فوری، عینی و موازنه ساز) که ناظر به اشخاص، آمران و عاملان مستقیم این جنایت (مشخصاً آن سگ زرد و ملعون ازل و ابد و آن نوچه ی جانی و منحوس صهیونیستی اش) است. دوم انتقام (یعنی کلان طرح تاریخی برچیدن باطل) که فرآیندی عمیق تر، دردناک تر و بلندمدت تر است. پس این خون خواهی مستقیماً به وظیفه ی ایمانی جامعه و توجه به ساحت امام زمان (عج) گره خورده است.

از این منظر، این کارزار با مجازات چند ملعون لقمه حرام تمام نمی شود، بلکه فرجام آن، برچیدن کامل نظام های فرعونیت تمدن غرب است. برای آنکه غلیان رستاخیزگونه ی امت به انفعال یا شعارزدگی منجر نشود، باید افق های اقدام عملی آن برای عموم مردم و آزادگان و مسلمین کاملاً ملموس، تمدنی و در عین حال متعین باشد. خراب کردن نظم شوم استعماری بر سر ناظران آن ضروری است.

از طرفی این شهادت، انسداد معرفتی جهان مدرن را می شکند. در این جهان بی حقیقت، شهید خامنه ای عزیز با شهادت بی مثال و نمادینش ورق را برگرداند. او با مشت گره کرده اش، با زبان روزه، در سنگری که بارها تهدید شده بود، در کنار فرزندان، قواعد معرفتی و مادی تمدن غرب را باطل و عیان کرد که عالم، بازیچه ی طراحی های مادی بشر نیست؛ بلکه حقایقی مطلق و سنت های الهی در کار جهان هست که امور را فراتر از اراده های انسانی پیش می برد.